
چشم‌انداز رشته روابط بین‌الملل در ده سال آینده

سید جواد امام‌جمعه‌زاده*

سکینه ببری گنبد**

دیباچه

پیشرفت تمامی جوامع در گرو تحول کیفی سطح زندگی افراد آن جامعه است. دانشگاه‌ها به عنوان موتور محرکه و تغذیه‌کننده بخش‌های روانی، فلسفی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شوند. با توجه به اهمیت رشته‌های علوم انسانی و وضعیت این رشته‌ها در دانشگاه‌ها ضروری است بررسی پیرامون روند صعودی و نزولی رشته روابط بین‌الملل نیز از سوی محققان آن حوزه مورد بررسی قرار گیرد.

* دکتر سید جواد امام‌جمعه‌زاده، دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان است.
(Javademam@ yahoo.com)

** سکینه ببری گنبد، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات اصفهان است. (Sakinehbabari 1360@ yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۰
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۶۵-۱۷۶.

در این مقاله ابتدا به وضعیت موجود آموزش روابط بین‌الملل در ایران پرداخته می‌شود و مروری بر سابقه این رشته و فرازو نشیب‌های آن در قبل و بعد از انقلاب صورت می‌گیرد. سپس با نگاهی آماری وضعیت آموزش و دانشجویان مقاطع مختلف، میزان پژوهش‌های موجود در میان اندیشمندان داخلی این رشته و تغییرات در برنامه‌های تدریس می‌آید. در بخش بعدی به پویایی و میان‌رشتگی در این حوزه اشاره می‌رود بدین معنا که در برخی دانشگاه‌های برتر جهان گرایش‌های جدیدی در رشته روابط بین‌الملل ظهور یافته که در مقاطع عالی کارشناسی ارشد و دکتری و حتی فوق دکتری پیگیری می‌شود همچون اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مطالعات صلح. در ادامه این بخش به وضعیت آماده‌سازی این دو گرایش یا رشته منشعب از روابط بین‌الملل و تلاش‌های این حوزه اشاره خواهد شد و در آخر چشم‌انداز آینده بیان می‌گردد.

وضعیت موجود آموزش روابط بین‌الملل در ایران

برای ورود به بحث آموزش روابط بین‌الملل در ایران باید نگاهی به گذشته این رشته در سرتاسر جهان داشت. جوامع بشری علی‌رغم قدمتی که در نهادسازی سیاسی و روابط قدرت با یکدیگر داشته‌اند اما بسیار دیر به سراغ مطالعه مناسبات قدرت و تحلیل روابط موجود رفتند. سابقه تاسیس رشته‌های آموزشی و دانشگاهی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در جهان تقریباً به دو‌یست سال پیش بر می‌گردد که از اروپا و در فرانسه با گرایش حقوقی و در انگلستان با گرایش اقتصادی (۱۸۹۵ در مدرسه اقتصاد لندن) و در شکل نوین آن از ایالات متحده آمریکا آغاز شد و به تدریج به سایر نقاط جهان گسترش پیدا کرد (مصفا، ۱۳۸۶).

تا جنگ جهانی دوم دروس مربوط به روابط بین‌الملل در قالب دروس علوم سیاسی تدریس می‌شد و تعداد موضوعات آن به حقوق بین‌الملل عمومی، تاریخ دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها محدود می‌شد، اما از هابز به این سو مجموعه‌ای از نظریه‌های روابط بین‌الملل ادبیات لازم را برای این رشته نوپا به وجود آوردند (نقیب زاده، ۱۳۷۱). از منظری کلی می‌توان علل موثر در توسعه رشته علوم سیاسی و ظهور روابط بین‌الملل را در مروری بر تحولاتی دانست که عبارت بودند از رویدادهای سیاسی بزرگ همچون انقلاب فرانسه، جنگ‌های بزرگ، نظریه‌پردازان و مکاتب علمی،

ورود شاخه‌های دیگر علوم اجتماعی مانند فلسفه، مردم‌شناسی و روانشناسی و نقش ایدئولوژی‌ها و درگیری‌های سیاسی. هرچند سابقه دیرینه اندیشه سیاسی نزد متفکران مسلمان ایرانی و قدمت حکومتگری از ایران باستان به قرن‌ها پیش می‌رسد و اندرزنامه‌ها، سیاست‌نامه‌ها و شکوه حکومتگری در تاریخ باستان و پس از اسلام ایران مکتوب است اما پیشینه آموزش علم سیاست را باید در طلوعه قرن بیستم یافت. ورود علم سیاست به ایران به سال ۱۲۷۷ و تاسیس مدرسه علوم سیاسی به همت مشیرالدوله پیرنیا بر می‌گردد.

تا سالهای پایانی دهه ۴۰ شمسی روند آموزش دانشگاهی این رشته در ایران رو به رشد بود به طوری که اتخاذ تدریجی سیستم واحد در اواسط دهه ۴۰ و بسط دوره لیسانس از سه سال به چهار سال و تاسیس دوره فوق لیسانس و دکتری علوم سیاسی باعث شد که علوم سیاسی در دانشگاه تهران به تبعیت از مطالعات حقوقی، آزاد شود و به عنوان یک رشته مستقل بازسازی گردد (عنایت، ۱۳۷۳). از طرفی دیگر تأسیس دانشگاه ملی ایران و ایجاد رشته علوم سیاسی در این دانشگاه، موجب نوعی رقابت حرفه‌ای شد. از نیمه دوم دهه چهل، نسل تازه‌ای از دانش‌آموختگان علم سیاست به کشور بازگشتند که از یک سو به استقلال علم سیاست از حقوق و لزوم به‌کارگیری روش‌های تحلیلی جامعه‌شناختی به جای رویکرد حقوقی در مطالعه پدیده‌های سیاسی باور داشتند و از سوی دیگر، گرایش به مطالعه اسلام و ایران را تقویت کردند. پیامد چنین تحولاتی، تغییر برنامه آموزشی رشته علوم سیاسی و تصویب برخی دروس جدید بود مانند اصول روابط بین‌الملل، احزاب سیاسی و گروه‌های ذینفوذ، ارتباط جمعی و افکار عمومی، سیاست و حکومت در کشورهای غربی و سوسیالیستی، مسائل نظامی و سوق الجیشی معاصر، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، نهادها و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران و نیروهای مذهبی معاصر (ازغندی، ۱۳۷۲).

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تحولی اساسی در علوم انسانی رخ داد که رشته علوم سیاسی نیز به شدت متأثر از آن بود. اما از زمان تاسیس رشته علوم سیاسی، رشته روابط بین‌الملل بیشتر به عنوان بخش فرعی علوم سیاسی در ایران تدریس می‌شد. تقریباً از دو دهه گذشته این رشته به عنوان یک رشته مستقل در ایران پذیرفته شده و دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران راه‌اندازی

گردیده است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹)

طبق جدول توزیع فراوانی و میانگین رتبه کشوری پذیرفته شدگان کارشناسی رشته علوم سیاسی که از طرف معاونت فنی سازمان سنجش اعلام گردید در سال ۹۰ کل تعداد دانشجویان روزانه پذیرفته شده ۶۴۰ نفر بوده که میانگین رتبه آنها ۱۰۹۵۳ بوده است. این رقم در سال ۷۹ در تعداد نفرات به طور تقریبی نصف و میانگین رتبه رقمی در حدود ۴۰۰۰ بوده است. این درحالی است که از میان ۴۶ نفر پذیرفته شده علوم سیاسی دانشگاه تهران میانگین رتبه ۳۴۶۹ بوده است. برای تکمیل آمار بهتر است به تعداد پذیرفته شدگان کارشناسی علوم سیاسی دوره شبانه سال ۹۰ که ۳۸۶ نفر بوده و میانگین رتبه آنها ۲۹۸۱۴ بوده همچنین تعداد پذیرفته شدگان کارشناسی پیام نور این سال که ۴۷۷۷ نفر بوده و میانگین رتبه آنها ۱۶۶۶۴۲ بوده نیز توجه شود تا میزان تفاوتها در این دوره زمانی بیشتر مشخص گردد. به طور مثال در سال ۱۳۷۹ میانگین رتبه کسانی که رشته علوم سیاسی را انتخاب اول خود داشتند حدود ۱۵۰۰ بوده است. حتی در برخی موارد رتبه‌های دورقمی نیز این رشته را انتخاب می‌کردند، درحالی که در سال ۹۰ میانگین رتبه کسانی که در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران قبول شده‌اند ۳۴۶۹ و در دانشگاه شهید بهشتی ۴۸۶۷ بوده است. (دفتر بررسی‌های فنی و آماری، ۱۳۹۰). به همین ترتیب کسانی که با این رتبه‌ها وارد مقطع ارشد روابط بین‌الملل شده‌اند نیز در میانه این ده سال متفاوت بوده است. برای نمونه در سال‌های ۸۳ و ۸۴ رتبه‌های کنکور ارشد روابط بین‌الملل برای دانشگاه تهران باید میان ۱ تا ۱۰، شهید بهشتی ۱۰ تا ۲۰ و علامه ۲۰ تا ۳۰ و دانشگاه اصفهان ۳۰ تا ۳۸ می‌بود (دوره روزانه). (دفتر بررسی‌های فنی و آماری، ۱۳۹۰). درحالی که ظرفیت پذیرش به ترتیب در میانه این سالها تا سال ۹۰ افزایش یافته و به تدریج میزان رتبه‌ها بالاتر رفته است. در مقطع دکتری در سالهای ۷۹ و ۸۰ دکتری رشته روابط بین‌الملل تنها در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه پذیرش داشت که مجموع دانشجویان این مقطع در آن سالها به زحمت به ۱۰ دانشجو می‌رسید. درحالی‌که طبق مندرجات دفترچه انتخاب رشته آزمون ورودی دوره دکتری نیمه متمرکز سال ۹۱ دانشگاه‌های تهران، علامه، گیلان حدودا ۱۷ دانشجو در مقطع روزانه و نوبت اول خود در مقطع دکتری می‌پذیرند. این تعداد و آمار تنها آمار مربوط به دانشگاه‌های دولتی است. در این میان دانشگاه آزاد نیز در مقطع

دکتری و ارشد روابط بین‌الملل و حتی در برخی واحدها مانند واحد شهرضا در مقطع کارشناسی نیز اقدام به جذب دانشجوی روابط بین‌الملل کرده‌اند که به دلیل عدم دسترسی به آمار دقیق از آنها می‌گذریم.

طبق آمار منتشر شده میزان تولیدات علمی جهان در پایگاه اطلاعاتی ISI در حوزه روابط بین‌الملل در فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ تعداد ۳۴۶۸۵ مدرک بوده که فریدمن و ایکبری به ترتیب با ۱۴۰ و ۱۳۵ تولید علمی، پرتولیدترین پژوهشگران در عرصه روابط بین‌الملل بوده‌اند. دانشگاه‌های مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن با ۴۹۷ تولید علمی (۱/۴۲ درصد)، دانشگاه هاروارد با ۳۹۱ تولید علمی (۱/۱۳) درصد، و دانشکده کینگ لندن با ۳۷۰ مدرک (۱/۰۷ درصد) فعال‌ترین دانشگاه‌ها در سطح جهان در عرصه روابط بین‌الملل بوده‌اند. روند تولیدات علمی نیز نشان داد که از سال ۲۰۰۵ به بعد نوعی رشد در میزان تولیدات به وجود آمده است. شایان ذکر است از بین همه مجله‌های مورد بررسی، مجله امور بین‌الملل (International Affairs) با انتشار ۸۶ درصد از کل تولیدات علمی بیشتر مدارک در حوزه روابط بین‌الملل را به چاپ رسانیده است (دوست محمدی، ۱۳۹۰).

تجزیه و تحلیل داده‌ها در پایگاه اطلاعاتی ISI مشخص می‌کند که از بین ۳۴۶۸۵ مدرک در حوزه روابط بین‌الملل تنها ۱۵ مدرک (۰/۰۴۳ درصد) به نام ایران ثبت شده که رقم بسیار ناچیزی است. از ۱۵ مدرکی که توسط پژوهشگران ایران در حوزه روابط بین‌الملل منتشر شده، چهار مورد در سال ۲۰۰۹، دو مورد در سال ۲۰۰۸، دو مورد در سال ۲۰۰۷، یک مورد در سال ۲۰۰۶، سه مورد در سال ۲۰۰۵، یک مورد در سال ۲۰۰۳ و دو مورد نیز در سال ۲۰۰۱ چاپ شده‌اند (دوست محمدی، ۱۳۹۰).

پویایی و میان‌رشتگی در حوزه روابط بین‌الملل

میان‌رشتگی و ترکیب رشته‌ها رویکرد جدیدی است. اما برنامه‌های منظم پژوهش علمی و اجتماعی، برنامه محوری آموزشی و جنبش‌های آموزشی گسترده و عمومی مربوط به میان‌رشتگی در دهه‌های اولیه قرن بیستم آغاز شده‌اند. همچنین سوابق ایده ترکیب چند رشته، در حوزه‌هایی مثل زیست‌شناسی و فلسفه به اوایل قرن بیستم بر می‌گردد. منازعات بین‌المللی، توسعه‌یافتگی، ساختارگرایی، مارکسیسم، جامعه‌شناسی انقلاب،

فمینیسم، صلح پایدار، جهانی شدن، امنیت انرژی، و سازمان‌های بین‌المللی از جمله موضوعاتی هستند که برای مطالعه با محوریت آنها و یا حل مسائل موجود در آن باید رهیافت‌های دخیل را در حوزه‌های روابط بین‌الملل با برخی حوزه‌های دیگر ترکیب کرد. از همین رو در برخی دانشگاه‌های برتر جهان گرایش‌های جدیدی در رشته روابط بین‌الملل ظهور یافته که در مقاطع عالی کارشناسی ارشد و دکتری و نیز فوق دکتری پیگیری می‌شود همچون اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مطالعات صلح.

واژه رشته معنای رعایت از چهارچوب روش‌ها، اهداف و فعالیت‌های جا افتاده کنونی را به ذهن می‌آورد، اما پیشرفت مستلزم این است که پا را فراتر بگذاریم و حیطه‌های دیگر را تجربه کنیم و قدم در قلمرو ناشناخته‌ها بگذاریم. تعامل نزدیک میان رشته‌ها یکی از این راه‌ها برای به چالش کشیدن مرزهای میان رشته‌ای و قدم گذاشتن در محدوده‌ای فراتر از آن را فراهم می‌کند.

رویکرد اقتصاد سیاسی در مطالعه سیاست‌های عمومی دولت (مطالعه اینکه دولت چه کار می‌کند) مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب چگونگی شکل‌گیری و اتخاذ تصمیم‌های عمومی (دولتی) - که به تخصیص منابع درون جامعه منجر می‌شود - و تأثیرات سیاسی‌ای که احياناً این تصمیمات برجای می‌گذارند، در حیطه و قلمرو رویکرد اقتصاد سیاسی است. در بسیاری از امور مانند سیاست مالیاتی، سیاست رفاهی و... یک نوع تعامل نزدیک میان سیاست و اقتصاد دیده می‌شود. قدرت‌ها و حکومت‌ها سیاست‌هایی را در راستای حمایت از اقتصاد خود اعمال می‌کنند و برای توسعه و تنظیم آن می‌کوشند اما در همان حال، خود تحت تأثیر عوامل اقتصادی می‌باشند. در این حوزه، سه بحث عمده مطرح شده است که عبارتند از:

۱) نقش سیاستگذاری عمومی در شکل‌دهی کارآیی بازار؛
 ۲) سیاست اقتصادی خارجی هر دولت و چگونگی مدیریت رابطه‌اش با اقتصاد جهانی؛

۳) دستیابی به اهدافی غیر از رشد در سیاست‌های اقتصادی؛ مانند برابری، تحرک، محیط زیست، عدالت و...

در هریک از این مباحث، نقش دولت - به‌ویژه در توسعه کشورها - حائز اهمیت بوده و مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته است. دیدگاه حداقل‌گرای دولت معتقد به

کمترین دخالت دولت در رشد و توسعه اقتصادی است. براین اساس، دولت صرفاً یک حافظ و تضمین‌کننده صلح و امنیت لازم برای رشد و توسعه اقتصادی قلمداد می‌شود. اما در مقابل، دیدگاه دولت توسعه‌گرا معتقد به حضور و دخالت فعال و مؤثر دولت می‌باشد. در رشته علوم سیاسی در حال حاضر مباحث عمده‌ای پیرامون نقش دولت وجود دارد و بسیاری از اندیشمندان درباره آن به تحقیق پرداخته‌اند (ایوانز، ۱۳۸۲).

هرچند تعامل و ارتباط میان سیاست و اقتصاد در مطالعه روابط بین‌الملل امری ظاهراً بدیهی است، اما در قرن بیستم این تعامل و ارتباط به دست فراموشی سپرده شد و مطالعه اقتصاد سیاسی بین‌الملل چندان مورد توجه قرار نگرفت. تا همین دهه‌های اخیر، سیاست و اقتصاد دو امر جداگانه و مجزا در تئوری‌ها و تحلیل‌های روابط بین‌الملل بودند. شاید دلیل عمده این امر، تسلط مکتب لیبرالیسم بود که ارتباط میان اقتصاد و سیاست و ایجاد یک نظم به هم تنیده اقتصادی - سیاسی را رد می‌کرد. در اعتقاد لیبرال‌ها یک سیستم اقتصادی که بر پایه تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات قرارداد از قوانین طبیعی پیروی می‌نماید و به هارمونی (هماهنگی) منجر می‌شود درحالی که یک سیستم سیاسی که شامل قدرت، نفوذ و تصمیم‌گیری است از قوانین طبیعی پیروی نمی‌کند و به هماهنگی منجر نمی‌شود. به اعتقاد این مکتب، دولت ضرورت دارد اما نباید در فرایند طبیعی نظم اقتصادی دخالت نماید. (Spero, 1990)

علاوه بر این، حوادث بعد از جنگ دوم جهانی نیز جدایی سیاست و اقتصاد را تشدید نمود. ایجاد یک نظم اقتصادی بین‌المللی تحت سلطه آمریکا و نظم اقتصادی تحت سلطه شوروی (سابق) و مجزا شدن جهان سوم به عنوان بخشی تابع از لحاظ اقتصادی و سیاسی، در واقع توافقی ضمنی برای مدیریت روابط اقتصادی بین‌الملل بود. در نتیجه، تعارض و ستیز در سطح اقتصاد بین‌الملل و در نتیجه آن، اهمیت بعد اقتصادی روابط بین‌الملل کاهش یافت. به علاوه، ظهور جنگ سرد به عنوان یک سیستم سیاسی بین‌المللی باعث شد تا از اهمیت روابط اقتصادی بین‌الملل کاسته شود و مسائل امنیتی مرتبط با امنیت در روابط بین‌الملل جایگاه رفیعی بیابد. در نتیجه، تحلیل‌ها و تئوری‌های روابط بین‌الملل عمدتاً بر روی مسائل امنیتی و نظامی تمرکز نمودند.

با شروع دهه ۱۹۷۰ میلادی این وضعیت دچار تحولی اساسی شد. تنش نظامی میان ایالات متحده و شوروی (سابق) فروکش کرد و دو کشور برای عقد توافقاتی در

زمینه‌های امنیتی تمایل نشان دادند. در همین زمان، سیستم اقتصادی بین‌المللی که توسط امریکا در غرب و تحت عنوان سیستم برتون وودز (BerttonWoods) ایجاد شده بود، از هم پاشید. قدرت یافتن اروپای غربی و ژاپن از لحاظ اقتصادی، فشارهایی که بر ایالات متحده به لحاظ کسری موازنه پرداخت‌ها وارد آمد، و شوک اول نفتی و تورم باعث از هم پاشیده شدن سیستم پولی بین‌المللی ایجاد شده بعد از جنگ دوم جهانی شد. در شرق نیز شوروی (سابق) و اروپای شرقی به ایرادات اساسی سیستم بسته خود پی بردند و در جنوب، کشورهای جهان سوم برای تحول در اقتصاد جهانی اقدام به طرح درخواست خود نمودند. با این وضعیت، مباحث و مسائل اقتصادی بین‌المللی نیز در کنار مبحث مربوط به امنیت اهمیت پیدا کردند و ذهن نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل را به خود مشغول ساختند (Spero, ۱۹۹۰).

اقتصاد سیاسی بین‌الملل حوزه مطالعاتی یا شیوه خاصی از اندیشه در مورد روابط بین‌الملل است که پیوند سیاست و اقتصاد ملی - بین‌المللی را مدنظر قرار می‌دهد. به جز این دو درهم تنیدگی و پیوند که مقبول اندیشمندان این حوزه است، در بقیه موارد اجماعی میان آنان وجود ندارد. اقتصاد سیاسی بین‌الملل به عنوان حوزه مطالعاتی (رشته علمی) یا شیوه اندیشه (روش علمی) به عنوان شاخه‌ای از رشته روابط بین‌الملل مورد پذیرش است اما هنوز ماهیت، مرزها و متفکران اصلی آن مورد منازعه است. حتی توافقی در مورد عنوان این رشته مطالعاتی وجود ندارد. برخی عنوان اقتصاد سیاسی بین‌الملل (International Political Economy) و برخی عنوان اقتصاد سیاسی جهانی (Global Political Economy) را ترجیح می‌دهند. هر چند در حال حاضر این دو عنوان به جای هم بکار می‌روند، اما همانطور که پالان بیان می‌کند، میان آنها تفاوت وجود دارد: « کسانی عنوان اقتصاد سیاسی بین‌الملل را به کار می‌برند که بر این باورند که این حوزه مطالعاتی یک رشته فرعی رشته روابط بین‌الملل است، اما اقتصاد سیاسی جهانی توسط کسانی به کار می‌رود که این حوزه مطالعاتی را تلاشی فرارشته‌ای دانسته و آنرا نزدیک‌تر به اقتصاد سیاسی تا رشته روابط بین‌الملل می‌دانند (Palan, 2000).

در حال حاضر در ایران، معاونت علمی ریاست جمهوری اقدام به تنظیم ممیزی رشته اقتصاد سیاسی نموده تا در صورت نیاز و ضرورت چنین رشته‌ای یا گرایشی در گروه‌های روابط بین‌الملل مقاطع تحصیلات تکمیلی برگزار شود. رویکرد مطالعات

صلح نظرگاهی است که روابط بین‌الملل که موضوع اصلی مطالعه روابط قدرت در نظام بین‌الملل را بررسی می‌کند همواره به آن توجه می‌نماید. مطالعات صلح به بررسی میان رشته‌ای علل ستیز اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و امکان راه حل‌های مسالمت آمیز می‌پردازد.

سه مقوله اساسی ترس، تهدید، و امنیت همواره در زندگی انسان با او بوده و موجب بروز جنگ و خشونت بین انبای بشر گردیده است. علی رغم مذموم شمرده شدن جنگ و خشونت در طول تاریخ، همچنان جنگ و درگیری نظامی و انواع خشونت در بسیاری از مناطق جهان جریان دارد. اگر در جنگ جهانی اول حدود ۸/۴۰۰/۰۰۰ نفر کشته شدند، در ۱۵۰ تا ۱۶۰ جنگ و برخورد داخلی از ۱۹۴۵ به بعد بدون محاسبه غیر نظامیان، ۷/۲۰۰/۰۰۰ نفر سرباز کشته شده اند که رقمی نزدیک به تلفات جنگ اول جهانی است. با تلفات غیر نظامی بین ۳۳ تا ۴۰ میلیون نفر، و در واقع پس از جنگ، هم نزاع مسلحانه و جنگ از ۱۹۴۵ به بعد در بیش از ۶۰ کشور جریان داشته و تا ۱۹۹۰ از ۲۳۴۰ هفته تنها سه هفته کره زمین بدون جنگ گذرانده است (Buregs, 1997).

مبارزه قدرت در طول تاریخ همواره طرفین قوی و ضعیفی را رودر روی خود قرار داده که از ابزارهای قانونی و حتی غیر قانونی در کسب پیروزی استفاده می‌کنند. در این میان همزیستی مسالمت آمیز، ثبات، صلح و امنیت بقای جوامع انسانی را تضمین کرده است. از این رو بشر از آغاز در سطحی ترین منازعات میان فردی تا شدیدترین درگیری‌های میان دولی به دنبال رفع و حل و فصل سریع مناقشه بوده است. وظیفه اصلی مطالعات صلح، تحلیل مستقیم جنگ، ستیز یا خشونت مسلحانه نیست بلکه متمرکز شدن روی شناخت موانع راه صلح و بسط شیوه‌های بدیلی برای برقراری صلح پایدار داخلی و فرامرزی است. مطالعات میان رشته‌ای صلح از آن رو اهمیت فزاینده‌ای دارد که حکومتها، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی می‌کوشند راه‌هایی پذیرفتنی برای حل و فصل ستیزها بدوت توسل به خشونت بیابند. مطالعات صلح در آغاز پس از جنگ جهانی دوم به صورت موضوعی دانشگاهی شکل گرفت. این رشته در حال حاضر در برخی دانشگاه‌های مهم دنیا در حال تدریس است. دانشکده مطالعات صلح در دانشگاه برادفورد بزرگترین مرکز دانشگاهی برای

مطالعات صلح شناخته شده است.

مطالعات صلح از چهار جهت با سایر رشته‌های علمی تفاوت دارد: کانون توجه آن، میان رشته‌ای بودن گزینشی آن، ارزشهای مشخصی که دارد و درگیر بودنش در طرح‌های کاربردی. نخست تکیه مطالعات صلح بر صلح، عدم خشونت و استحاله ستیز است. مطالعات صلح به بررسی راه‌های ایجاد جوامع صلح جو و عادلانه می‌پردازد. دوم، واحدهای درسی که در دانشکده‌ها، مراکز یا گروه‌های علمی مطالعات صلح تدریس می‌شود رویکردی چند رشته‌ای دارند و از رشته‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، تاریخ، حقوق، ادبیات، جامعه‌شناسی، روانشناسی و الهیات کمک می‌گیرد. در چهارچوب مطالعات صلح و حوزه‌های مرتبط حل و فصل ستیزها، مطالعات توسعه و مطالعات امنیت بسیاری حوزه‌های بررسی میان رشته‌ای مشخص وجود دارد. سوم ارزشهایی مانند حقوق بشر، صلح پروری و جنسیت شرایط جنگ و برخی انواع خشونت را آشکارا به منزله یک معضل تلقی می‌کنند. در واقع مطالعات صلح توانایی‌های بشری، امنیت و رفاه انسانی را ترویج می‌نمایند. چهارم، مطالعات صلح به روش‌های ملموس مطالعات موردی و ناحیه‌ای از جهان صورت می‌دهند که در آنها ستیز و خشونت مسلحانه غلبه دارد. بسیاری از پژوهشگران مطالعات صلح اقدام به اجرای برنامه‌های مطالعات بین‌المللی در خارج می‌کنند (گریفیتس، ۱۳۸۸).

اندیشمندان روابط بین‌الملل به همان میزان که به دنبال یافتن دلایل جنگ‌ها و تداوم آنها بوده‌اند به حل و فصل و کاستن از سطح خشونت‌ها نیز اندیشیده و راهکارهایی را ارائه نموده‌اند. میانجی‌گری، چانه زنی، تسهیل‌گری، بیطرفی، داوری و شیوه‌های این‌چنینی از دستاوردهای محققان روابط بین‌الملل می‌باشد که از مطالعات خود در حوزه‌های گوناگون و بسترهای بحرانی سیاست بین‌الملل در سراسر نقاط جهان، مناقشات میان اقوام و گروه‌های نژادی و حتی میان گروه‌های انسانی و افراد استخراج نموده‌اند.

مطالعات صلح از جمله رشته‌هایی است که علاقه‌مندان زیادی نزد متخصصان روابط بین‌الملل در داخل کشور دارد. پرداختن به این رشته و تدوین برنامه آموزشی این رشته در آینده در وزارت علوم از جمله امیدهایی است که می‌توان به پویای رشته روابط بین‌الملل و گسترش آن در حوزه میان رشته‌ای داشت.

دستاورد

هرچند در دودهمه گذشته رشته روابط بین‌الملل در ایران آزمون سختی را پشت سر نهاده است اما آینده روشنی خواهد داشت. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به نسبت تغییر در سیاست‌های آموزش عالی ایران به‌ویژه تأکید بر تقویت رشته‌های علوم انسانی و برگزاری همایش‌های متعدد توسط انجمن علوم سیاسی ایران و همچنین انجمن ایرانی روابط بین‌الملل نوعی خودآگاهی در جمع متخصصان روابط بین‌الملل مبنی بر ضرورت بررسی وضعیت موجود آموزش در این رشته‌ها و آسیب‌شناسی و ارائه راه حل در حال شکل‌گیری است. تأکید بر بومی و کاربردی شدن رشته روابط بین‌الملل نگاه مسئولان را به سمت تأکید بر این رشته معطوف می‌سازد. افزایش مجلات علمی پژوهشی در حوزه روابط بین‌الملل می‌تواند موجب ارتقای انگیزه لازم برای فعالیت علمی، تبادل اندیشه‌ها، نقد و بررسی افکار و ارائه چشم‌اندازهای جدید شود. در عصر به هم پیوسته امروز در کانون‌های توسعه یافته و مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سرمایه‌گذاری بر رشته‌های علوم اجتماعی و به‌ویژه علوم سیاسی و امنیتی امری بدیهی و بنیادین تلقی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از نیروی انسانی عظیم، منابع جغرافیایی و در پیش نهادن برنامه‌های علمی و فناوری در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی ناگزیر است تیم کارشناسانی زبده، کاردان و آشنا به مناسبات جهانی را در تمام حوزه‌ها داشته باشد و از همین جا اهمیت علوم انسانی و به‌ویژه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نمایان می‌گردد. پرورش نسلی نخبه که دستگاه دیپلماسی و امنیتی را یاری رسانند مستلزم پذیرش داوطلبانی با سطح علمی بالا و فرهیخته است. وزارت علوم تحقیقات و فناوری و نیز دستگاه‌های متصدی جذب فارغ‌التحصیلان این رشته همگام با یکدیگر در ارتقا سطح علمی دانشجویان این رشته و جایگاه وزین آن نقشی اساسی دارند. ❖

References:

- Azghandi, Alireza 1994, Education, of Politics,in persian ,*Politics Quarterly* ,Tehran University. 1373 ,Vol. 10 and 11.
- Evans,Peter. 2002, *Embedded Autonomy: States And Industrial Transformation*. in Persian. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Tarhe Or.
- Burgess, Heidi, 1997, *Encyclopedia of Conflict Resolution*. London: ABL:
- Hajiyoosefi, Amirmohammad. 2010, “Teaching International Relations in Iran: Challenges and Prospects”. in Persian. *Journal of Politics,Iranian Political Science Association* , vol 5, no 2.
- Doost mohammadi, Ahmad. 2011, “A Survey of Scientific Productions in the Discipline of International Relations”. in Persian. *Journal of Politics,Iranian Political Science Association*, vol. 6, No 2.
- Griffiths,Martin, 1388, *Encyclopedia Of International Relations And Global Politics*. In Persian. translated by Alireza Tayeb. Tehran: Nashreney.
- Enayat, Hamid. “Condition of Social Science in Iran”. in Persian. In: Ahmadi Khorasani, Noshin. 1373, *Development*. Tehran: Elmifarhangi.
- Mosafa, Nasrin. 1386, *Sightseeing Of IR & Politics Educational And Research Developments*. in Persian. Tehran: Cultural and Social Research institute.
- Naghibzade, Ahmad. 1371, *International Relations Meta Theory. in persian*. Tehran: Ghomes.
- Palan, Rosen. 2000, “New Trends in Global in Global Political Economy”, in R. Palan (ed.), *Global Political Economy: Contemporary Theories* ,London: Rutledge.
- Spero, Joan. 1990, *The Politics of International Economic Relations*. New York: St. Martins Press.